

محمد حسین تسبیحی

صیام

از جسم بهترین حرکاتی «صلاه» بین
وز نفس بهترین سکناتی «صیام» دان
خاقانی شروانی

تا کنون جایی ندیده ام که تحقیقی درباره «صیام» و «صوم» انجام گرفته باشد . بدین جهت بر آن شدم که کتابهای دینی و فلسفی و عرفانی و ادبی و لنوی راً تصفح نموده جست و جویی درباره لفظ «صوم» واعمال آن و ارزش و اهمیتش از قطراها و بینش های فرقها و گروه های مختلف بعمل آورم . روش این جست و جو و تحقیق بیشتر بر اساس متون عربی و فارسی از هنگام شیوع دین حنفی اسلام می باشد . بنابراین اولین مأخذ و سرچشمه تحقیق ما درباره «صوم» قرآن کریم و مصحف عزیز است ، سپس تفسیرها و تأویل های مفسران عارفان ارجمند و بزرگ بدهست داده می شود و بعد از آن چنانکه مشایسته مقام و مقتضای حال و مکان باشد ، شواهد شعری و ضرب المثل ها و کنایات و توجیهات ارباب قلم را خواهیم نوشت .

لفظ «صیام» و «صوم» واشتقاقات اسمی و فعلی آن ۱۲ بار و «رمضان» یک بار در قرآن مجید آمده است . از جمله :

سورة ۲ (البقرة) آیه ۱۸۴ : «بِاَيْمَانِ الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبْ عَلَيْكُم الصِّيَامَ كَمَا

وآية ١٨٥: «إِنَّمَا مَعْدُوداتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَنَذَرَ مِنْ أَيَّامِ
أَخْرَى وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فَدِيَةً طَعَامٍ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَإِنْ تَصُومُوا
خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

وآية ١٨٦: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبِنَاتِ مِنْ
الْهُدَىٰ وَالْغَرَقَانَ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلِيَصُمِّمْهُ وَمَنْ كَانَ مُرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَنَذَرَ
مِنْ أَيَّامِ أَخْرَى بِرِيدَةٍ اللَّهُ بِكُمْ أَيْسٌ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسُرَ وَلَا تَكُمُوا الْعِدَّةَ وَلَا تَكُبُرُوا
عَلَى مَا هَدَيْكُمْ وَلَا مُلْكُمْ تَشْكُرُونَ».

وآية ١٨٧: «أَدْخِلُوكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرُّفُثَ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ
لِبَاسٍ لَهُنَّ عِلْمٌ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ إِنْفَسَكُمْ قَنَابٌ عَلَيْكُمْ وَعَفَاعَنْكُمْ فَالآنَ
بَاشِرُوهُنَّ وَابْتُنُوا مَا كَنْبَلَ اللَّهُ لَكُمْ وَكَلُوا وَاشْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَيْضُ مِنْ
الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنْ الْفَجْرِ ثُمَّ اتَّمُوا الصِّيَامَ إِلَى الظَّهِيرَةِ وَلَا تَبْشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ مَا كَفَوْنَ
فِي الْمَسَاجِدِ إِذْلِكَ حَدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يَبْيَنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لِعِلْمِهِ يَتَعَقَّبُونَ»

وآية ١٩٦: «فَقَدِيَّةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نِسْكٍ فَإِذَا أَنْتُمْ تَمْتَعُونَ
بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجَّ فَمَا سَيِّسَ مِنْ الْهُدَىٰ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ تَلَانَةً أَيَّامٌ فِي الْحَجَّ وَ
سَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تَلَكَ عَشْرَةً كَامِلَةً ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرًا الْمَسَاجِدُ الْحَرَامُ
وَأَنْقُواهُ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ شَدِيدُ الْعَقَابِ».

وَسُورَةٌ ٥٨ (الْمُجَادِلَةُ) آيَةٌ ٤: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُنْتَابِيْنِ مِنْ
قَبْلِ إِنْ يَتَمَسَّا فَمَنْ لَمْ يُسْتَطِعْ فَأَطْعَامَ سَبْطَيْنِ مَسْكِينًا ذَلِكَ لِتَؤْمِنُوا بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَذَلِكَ
حَدُودُ اللهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابُ الْيَمِّ».

وَسُورَةٌ ٥ (الْمَائِدَةُ) آيَةٌ ٨٩: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ تَلَانَةً أَيَّامٌ ذَلِكَ كُفَّارَةً
إِيمَانَكُمْ إِذَا حَلَّتُمْ وَاحْفَظُوا إِيمَانَكُمْ».

وَآيَةٌ ٩٥: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتُوكُمْ لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَوْنَ أَنْ هُمْ حَرَمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ
مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُهُ مُثْلُ مَا قَاتَلَ مِنَ النَّعْمَ يُحْكَمْ بِهِ ذُوَعْدُلٍ مِنْكُمْ هَدِيَّا بِالْكَعْبَةِ

توبة من الله و كان الله عليما حكينا . و سورة ١٩ (مرثيم) آية ٢٦ : «فَكُلْ و اشرب و قرئ علينا فاما تربين من البشر أحداً فتولى انى نذرت للرحمن صوماً فلن اكلم اليوم انسيا» .

و سورة ٣٣ (الاحزاب) آية ٣٦ : ان المسلمين والصلوات والمؤمنين والمؤمنات والثاتتين والثاثتين والصادقين والصادقات والصادفات والصادفات والخاشعين والخاشعات والمتصدقين والمتصدقات **والصادقين والصادقات** والحافظين فروجهم والحافظات والذاكريين الله كثيراً والذاكريات **أعد الله لهم مغفرة واجراً عظيماً** .

چنانکه ملاحظه می شود لفظ «صوم» و مشتقات آن در آیات مذکور در فوق همه جا بهیک صورت و برای یک منظور نیامده است بلکه هرجاییکه به کار گرفته شده برای مقصود و منظور معین بوده است .

برای همین منظورها و مقصودها ، مفسران بزرگ و عارفان ستر گه تفسیرها و تأویل های گوناگون نموده اند .

در تفسیر **كشف الاسرار و عدة الابرار** معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری (تألیف ابوالفضل رشید الدین المبیدی درسال ٥٥٢ هجری) جلد اول به تصحیح و تعلیق و تحشیه استاد ممتاز دانشگاه آفای علی اصغر حکمت) باشتری بسیار شیوا و شیرین از «صوم» و «صیام» و «رمضان» سخن به میان آورده و حقیقت سخن را به اعلام تبیت و درج درسانیده است . از حمله گوید: «معنى صیام» در شریعت باذایستادن است از طعام و شراب و شهوت راندن یانیت ، و در لغت عرب از هر چیز باذایستادن است ، چنانکه کسی از گفتن باز ایستد ، گویند : «صام عن الكلام» وذلك في قوله تعالى : «انى نذرت للرحمن صوماً» ، و کسیکه از بر باذایستد ، گویند : «صام عن المعروف» ، و چهار پایی که از علف و حرکت باذایستد گویند : صامت الدابة» .

پس از بحث های گوناگون اذاقوا الصاحب و بزرگان دین می گوید «صیام» همان روزه و روزه **داشتن** باشد و شهر رمضان **«ماه روزه»** است و در این پاده فصل مشتمل انشاء فرموده که سیار شیوه دارد اینکه وزیر نیز است . می بینیم شیوه

تقدیس طبیعت . و اندر شرایع انبیاء علیهم السلام - روزه مشرع بوده است از عهد آدم تاروزگار مصطفی (ص) . و بدین قضی خبر : روزه چهاریک ایمان است ، که مصطفی (ص) گفت: **الصوم نصف الصیر والصبر نصف الایمان** ، و در روزه پنج چیز فریضه است و پنج چیز سنت :

اما فریضه اول . آنست که ماه رمضان طلب کند تا بداند که بر پیست و نه روز است یا پرسی روز ؛ و بر قول یاک عدل اعتماد کند . اما به آخر رمضان کم از دو عدل نشاید که گواهی دهنده ، واگر به شهری دیگر ماه نودیده باشد که به شافعیه فرسنگ دورتر باشد ، روزه براین قوم واجب نیاید .

فریضه دوم : آنست که هر شب نیت کند ، چنانکه بدل بیندیشد و به زبان بکوید . «اصوم غداً صوم رمضان فریضة الله تعالى .»

فریضه سوم : آنست که هیچ چیز به قصد به باطن نرساند و باطن آنست که قرار گاه چیزی باشد ، چون دماغ و شکم و معده و مثانه .

فریضه چهارم : آنست که مباشرت اهل نکند ، چنانکه غسل واجب کند ، واگر به حال نسیان افتاد روزه باطل نشود ، مصطفی (ص) گفت: «رفع عن امتی الخطاء والنسيان وما مستكر هو اعليه» ، واگر به شب مباشرت کند و غسل بعد از صبح کند ، روا باشد .

فریضه پنجم : آنست که به قصدوا اختیارقی نکند ، واگر بی اختیارقی بموی درافتند ، روزه باطل نشود و خیو منعقد که از حلق بپرون آید به سبب ذکام روزه باطل نکند ، اما چون بردهن آید آنکه فروبرد ، روزه باطل کند .

اما سنت های روزه : تأخیر سحر و راست ، و تعجیل قطور و روزگشادن به خرما یا آب ، و سواک بددست داشتن بعد از زوال ، و در جمله خیرها کردن ، چون صدقه دادن و قرآن خواندن ، و در مسجد متعکف بودن و قیام رمضان به پای داشتن .